آثار فردي و اجتماعي عدالت مهدوي

محمد مهدي حائري

اشاره:

عدالت گستري اصلحترين رسالت قيام و انقلاب مهدي (ع) است. آثار عدالت مهدوي محدود به عرصهاي حاضر نخواهد بود. بلكه در حوزههاي مختلف فردي و اجتماعي آشكار خواد شد و اين تفسير ((يملاء الله به الارض قسط و عدلاَ)) است ره آورد قيام آن حضرت اين است كه هم فرد را در روابط گوناگون خود ميسازد و هم جامعه را در بخشهاي مختلف اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي و قضائي سامان ميبخشد. در اين مقاله تلاش كردهايم كه جريان عدالت مهدوي و چگونگي آن را در عرصههاي گوناگون فردي و اجتماعي مورد بررسي قرار دهيم.

پيش از پرداختن به اصل موضوع، لازم است معني و مفهوم عدل به درستي آشكار شود.

در معني عدل گفتهاند:

هو توسّط بينالافراط و التفريط بحيث لاتكون فيه زيادة ولانقيصة ...

ثم ان العدالة اما في الرأي والافكار اذا كان مصوناً عن الانحراف والضعف والحدّة و يطابق الحق والصّواب [كما في قوله تعالي]: واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل 1.

و اما في الصفات النفسانية بان تكون الاخلاق الباطنية معتدلة ليس فيها افراط و لاتفريط... و اما في الاعمال و هو في الاقوال و في الوظائف الانفرادية و في الاعمال الاجتماعية.... [كما في قوله تعالي]: واذا قلتم فاعدلوا و لو كان ذا قربي 2.

... و ليعلم انَّ موضوع العداله من اهم الموضوعات.... و اليها يرجع كل عمل حسن و خُلق مطلوب و رأي صائب ... و هو المطلوب في كل مورد و في كل مقام.3

عدالت ميانه زيادهروي و كوتاهي است و به معني آن است كه در امور، زيادي و كمي نباشد... عدالت يا در انديشه و افكار است؛ به اين معني كه از انحراف و سستي به دور بوده و مطابق حق و راستي باشد؛ همانگونه كه خداوند در قرآن دستور داده است:

((و آنگاه كه ميان مردم حكم ميكنيد، به عدالت داوري كنيد...))

يا در صفات انساني است؛ يعني اخلاق دروني ميانه باشد و هيچ تندروي و كندروي در آن نباشد... و يا در حوزه اعمال است كه شامل گفتار و تكاليف فردي و كارهاي اجتماعي ميشود.

... [چنانكه خداي متعال در قرآن فرموده:] ((و آنگاه كه سخن ميگوييد، به عدالت بگوييد، اگرچه خويشاوند باشد)).

... و بايد دانست كه موضوع عدالت از مهم‌ترين موضوعات است... و هر كار نيك و خلق و خوي پسنديده و فكر درست به آن بازميگردد... و عدالت همان چيزي است كه در هر مورد و هر جايي خواسته شده است.4

با اين بيان جامع، روشن است كه عدالت مفهومي بسيار گسترده دارد و در همه امور عالم تشريعي جاري است. طبق بعضي روايات، مثل آنچه به پيامبر نسبت داده شده كه ((بالعدل قامت السموات والارض))5 استفاده ميشود كه عدالت در امور تكوين و خلق نيز امري عام و همگاني است.

با اين مقدمه، به بحث درباره عدالت مهدوي و آثار فردي و اجتماعي آن خواهيم پرداخت.

امام مهدي، امام عدل

آخرين حجت الهي، عصاره تمام انبيا و اوليا است و وجود بيمثال او چشمه همه خوبيها و زيباييهاست. اما در صدها روايت، سخن از عدالتگستري او مطرح شده و از آن بزرگوار به عنوان مظهر و تجلي كامل عدالت ياد گرديده است.

در كتاب مكيالالمكارم آمده است:

عدل آشكارترين صفات نيك امام است. براي همين (آن بزرگوار) در دعاي شب‌هاي ماه رمضان ((عدل)) ناميده شده است؛ (( اللهم و صلّ علي ولي امرك القائم المؤمّل والعدل المنتظر6؛ خداوندا، به ولي امر خود كه قيام‌كننده آرماني و عدل مورد انتظار است درود فرست)).7

و در زيارت حضرت(ع)، اينگونه با او نجوا ميكنيم:

((السلام علي القائم المنتظر والعدل المشتهر.8

سلام بر قيام كننده مورد انتظار و عدالت آشكار)).

بنابراين عدالت گستري مهمترين رسالت آن سفير موعود است و ديگر ارزشها در همين بستر و جريان زنده خواهد شد. آري، دوران او، روزگار پر شدن زمين و زمان از عدل و داد است.

دامنه عدالت او همه‌جا، حتي زواياي ناپيداي جامعه را خواهد گرفت؛ همچون سرما و گرما به درون خانههاي مردم نفوذ خواهد كرد و روابط آنها را در كوچكترين نهاد اجتماعي هم تحت تأثير خود قرار خواهد داد.9

تراز تمدن مهدوي، عدل است كه در پرتو آن، ديگر ارزشها حاكم خواهد شد و به سبب جريان عدالت، در همه عرصههاي جامعه، بساط هرگونه ظلم و ستم برچيده ميشود.

يطهرالله به الارض من كل جور و يقدّسها من كل ظلم... فاذا خرج وضع ميزان العدل بين النّاس فلايظلم احد احداً.

خداوند به وسيله او زمين را از هرگونه ستم پاك خواهد كرد و از هر گونه ستم، قداست مي‌بخشد... آنگاه كه او قيام كند، ترازوي عدالت در ميان مردم نهد، پس در روزگار او هيچ كس به ديگري ستم روا ندارد.10

عدالت مهدوي، عدالتي فراگير

وقتي سخن از عدالت مطرح ميشود، ذهنها بيشتر به سوي عدالت قضايي يا اقتصادي ميرود. به گمان افراد، مقصود از عدالت آن است كه در محاكم قضايي به حق داوري شود و حق هر صاحب حقي به او داده شود. نيز، در عرصه اقتصاد، همه افراد جامعه از مواهب مادي بهرهمند باشند و در اين عرصه، ستمي بر افراد نرود. حال آنكه براساس آنچه در معني عدالت گذشت، عدالت به معني آن است كه در همه عرصهها حق و انصاف رعايت گردد. به همين دليل، جامعهاي را جامعه عادل مي‌دانيم كه در همه حوزههاي فردي و اجتماعي آن، عدالت حاكم باشد. بنابراين ما هم در روابط فردي و هم در روابط اجتماعي، عدالت بايد خود را نشان دهد. همچنين در حوزههاي گوناگون اجتماع، مثل سياست، فرهنگ، اقتصاد، عدالت نيز حكم‌فرما باشد.

اينكه در روايات اسلامي، امام مهدي(ع) به عنوان پركننده زمين از عدالت معرفي شده است، ميتواند به همين معني باشد كه او عدالت را در همه عرصههاي فردي و اجتماعي جاري خواهد ساخت. در واقع، ارزشهاي ديني و آمال و آرزوهاي انبيا و اوليا در پرتو عدالت مهدوي به اجرا درآمده و عالم‌گير خواهد شد.

در اين مقاله، به بررسي اجمالي آثار فردي و اجتماعي عدالت مهدوي ميپردازيم.

آثار فردي عدالت مهدوي

آدمي در زندگي فردي خود، بريده و جداي از اجتماع نيست و همه‌جا به نوعي با ديگران در ارتباط است. ولي منظور از بررسي آثار فردي عدالت مهدوي مفهومي است كه در برابر آثار اجتماعي مطرح ميشود. در آثار اجتماعي، به بررسي عدالت مهدوي و نقش آن در حوزههاي مختلف اقتصاد، سياست و فرهنگ خواهيم پرداخت؛ اما در بخش آثار فردي، به آثار اجرايي عدالت در ديگر شئون زندگي انسان ميپردازيم.

رابطه انسان با خود

آدمي پيش از هر كس و هر چيزي بايد تكليف خود را با ((خود)) روشن كند و با تشخيص قابليتها و استعدادهاي خود، آنها را در مسير رشد و تعالي خود به كار گيرد. اين مستلزم معرفتي درست و عملي صحيح و معروف است. در جوامع مختلف بشري، انسانها به دليل ناآگاهي و به دنبال آن، عمل و اقدام نادرست، استعدادهاي الهي و انساني خود را از بين برده و يا در مسير نادرست به كار گرفتهاند. امام مهدي (عج) در حكومت عدل خود، اين انحرافها و كجيها را راست خواهد كرد. آري، در سايه تربيت مهدوي، فطرتها بيدار ميگردد و نيازهاي حقيقي و واقعي انسانها مجال بروز پيدا ميكند. آدمها به دنبال پاسخگويي به نداي فطرت الهي خواهند بود و آرزوهاي دروغين و خواهشهاي پوچ كم‌رنگ ميشود. اين چنين است كه شاهراههاي سعادت و بهروزي به روي بشر گشوده ميشود.

اين نقطه آغاز اصلاح است كه همه بدانند براي چه آمدهاند و به كجا ميروند و در اين قرارگاه موقت چه وظيفهاي دارند. اين شروع خردورزي و تعقل است و مرحله نخست يافتن نفس:

امام باقر(ع): وقتي قائم ما قيام كند، خداوند دست خود را بر سر بندگان نهد و به سبب آن، عقل‌هاي ايشان را كامل كند و اخلاق ايشان را به تكامل رساند.11

پيش از اين زياد خواندهايم و شنيدهايم كه بالاترين معرفتها معرفت نفس است و اين مهم در دوران مهدي (عج) و در سايه عدالت او قابل دست‌رسي براي همگان است. آن روز زمينه و بستر آگاهي‌بخشي و تزكيه مردم به گونهاي است كه همگان به اين معرفت و آگاهي خواهند رسيد و كليد گنج سعادت را به كف خواهند آورد.

رابطة انسان با ديگران

آدمي گرچه تنها به دنيا ميآيد و تنها از دنيا ميرود، در اين دنيا بيگمان در ارتباط با ديگران زندگي ميكند. بنابراين بزرگ‌ترين فصل كتاب زندگي او ((رابطه با ديگران)) است و در همين بخش است كه ممكن است ارزشهاي زيادي را خلق كند و پاس بدارد و يا چهرهاي زشت و ناپسند از اجتماع انسانها به نمايش گذارد.

آدمي در رابطه با ديگران است كه تصميم ميگيرد، حرف ميزند و اقدام ميكند. داد و ستد او و واكنش و موضعگيري او در برابر ديگران بخش زيادي از روابط او را تشكيل مي‌دهد. اگر اين بخش از زندگي آدمي مسيري درست و پسنديده يابد، بسياري از ارزشهاي الهي و انساني به تحقق پيوسته است. صداقت، امانتداري، ايثار، سخاوت، گذشت، حسن ظن و اعتماد به ديگران، تعاون، نصيحت و خيرخواهي و دهها فضيلت ديگر در همين عرصه خود را نشان ميدهد. با آمدن اين فضيلتها به عرصه روابط اجتماعي، جايي براي نفاق، خيانت، تنگنظري و خودخواهي، انتقام، بددلي و بدگماني، خودمحوري و سوء نيت نميماند.

عدالت واقعي و راستين آن است كه به همه اينها در روابط انساني پايان دهد؛ وگرنه در حكومتي كه مردم آن ارتباطي ناسالم و ناشايست داشته باشند، چگونه انتظار برقراري عدالت و دادگري در حوزههاي مختلف ميرود؟

مهدي (عج) كه مظهر عدالت الهي است، مردم را چنان به قرآن و سنت پيامبر ميخواند و تعاليم آن دو را در ميان جامعه نشر ميدهد كه انسانها به تزكيه الهي و معرفت خدايي دست مييابند و آن هدفي كه در آيات قرآن براي رسالت انبيا مطرح شد كه (يعلمهم الكتاب والحكمة و يزكيهم(12 تحقق مييابد و عملي ميشود.

در سايه عدالت مهدوي، امر به معروف و نهي از منكر زنده ميشود و مهدي(ع) و ياوران او پيش‌رو مردم در اين فريضه الهي خواهند بود و به دليل زنده شدن اين ارزش قرآني، همه ارزشها و فضيلت‌ها جان ميگيرد. ((بها تقام الفرائض13)).

در حيات مهدوي، جايي براي كينه و دشمني در قلوب مردم نميماند و وقتي كينه از دل‌ها رفت، بهانهاي براي خيانت، خودخواهي، انتقام، بدگماني و... نخواهد بود و اخلاق مردم اخلاق محمدي و علوي خواهد شد.

امام علي (ع) ميفرمايد:

((ولو قد قائم قائمنا... لذهبت الشحناء من قلوب العباد)).

((چون قائم ما قيام كند كينه از دل‌ها بيرون رود)).14

با رشد تربيت و تكامل عقل، كينهها به محبت و دوستي تبديل ميشود و روابط اجتماعي براساس انسان دوستي شكل ميگيرد. در نتيجه، اخلاق نيكو در جامعه بشري گسترش مييابد.

همچنين در سايه حكومت عدل مهدي (عج)، خداوند بينيازي را در دل مردمان قرار ميدهد و حرص و آزمندي از وجود انسانها رخت ميبندد.

پيامبر (ص) در وصف روزگار مهدي (ع) فرمود:

((و يجعل الله الغني في قلوب هذه الامة)).

((خداوند بينيازي و غنا را در دلهاي اين امت پديد آورد)).15

حرص و آز ريشه بسياري از تجاوزها و ستمهاي مالي و غيرمالي است. عدالت مهدوي در عرصه تربيت، انسانها را از اين رذيلت پاك ساخته و به گوهر غنا و بينيازي ميآرايد و بدين‌سان راه را براي بسياري از خوبيها و صفات نيك ميگشايد.

بنابراين عدالت مهدوي در عرصه روابط فرد با ديگران، ضامن اخلاق و ارزشهاي اخلاقي است و اين از مهمترين و ارزشمندترين آثار عدالت است.

رابطه انسان با خدا

انسانها فطرتي خداجو دارند، چون بر اين اساس آفريده شدهاند؛ ولي بر اثر تربيتهاي نادرست و بسترهاي نامناسب اجتماعي، انحراف و كجي در پرستش و عبوديت آنها راه پيدا كرده است كه البته اين كژراهي مادر همه انحرافها و بيراهههاست. در حكومت عدل‌گستر امام عصر، دين حق، به عنوان تنها راه سعادت، آشكارا بر همگان عرضه ميشود و با مظاهر شرك و بتپرستي و كفر برخورد ميشود؛ چرا كه هيچ ظلمي از شرك بالاتر نيست.

و اذقال لقمان لابنه و هو يعظه يا بنيّ لاتشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم16

بنابراين براي اينكه عدالت و راستي و درستي در عرصههاي مختلف زندگي بشر اجرا گردد، لازم است ريشههاي شرك و كفر سوزانده شود؛ چرا كه بدون آن، عدالت معنا و مفهومي ندارد. عدالت به معني راه و رسم صحيح و پسنديده است و توحيد و يگانهپرستي در عبادت، راه روشن و درست بندگي است. به همين جهت، سرلوحه برنامههاي جهاني مهدوي، كفرستيزي و شرك‌زدايي است؛ به گونهاي كه جامعه بشري جامعهاي يگانهپرست و مسلمان گردد.

ابوبصير ميگويد از امام صادق (ع) درباره اين آيه شريفه پرسيدم كه ميفرمايد:

هوالذي ارسل رسوله بالهدي و دين الحق ليظهره علي الدين كله و لو كره المشركون17

((او كسي است كه پيامبرش را با هدايت و دين درست فرستاد تا آن را بر همه اديان پيروز گرداند؛ هرچند مشركان خوش نداشته باشند)).

آن حضرت در پاسخ فرمود:

والله ما انزل تأويلها بعد قلت جعلت فداك و متي ينزل؟ قال: حتي يقوم القائم ان شاءالله فاذا خرج القائم لم يبق كافر و مشرك الا كره خروجه... . 18

به خدا سوگند، هنوز تأويل اين آيه نازل نشده است. گفتم فدايت شوم، پس كي نازل مي‌شود؟ فرمود: زماني كه به خواست خدا قائم(ع) قيام كند. پس در آن هنگام، هيچ كافر و مشركي نميماند، مگر اينكه از قيام او ناخشنود است... .

امام باقر (ع) نيز در توضيح اين آيه فرمود:

(وقاتلوهم حتي لاتكون فتنه و يكون الدين كله لله(19.

تأويل اين آيه هنوز نيامده است و هرگاه ]قائم ما قيام كند، آن كس كه زمان او را دريابد، تأويل اين آيه را خواهد ديد و هر آينه در آن زمان[ دين محمد (ص) به هر كجا كه شب ميرسد، خواهد رسيد؛ به گونهاي كه بر سطح زمين، اثري از شرك نخواهد ماند، همانگونه كه خداوند فرموده ]و وعده نموده[ است.

آثار اجتماعي عدالت مهدوي

در دنياي امروز، اجتماع و روابط اجتماعي از پيچيدگي خاصي برخوردار است. وقتي از اجتماع سخن گفته ميشود، عرصههاي گوناگوني در نظر است كه بايد در همه آنها برنامهاي سالم براي تعامل اجتماعي تدوين گردد. بشر در طول قرون گذشته، در حوزههاي گوناگون اجتماع؛ مانند سياست، حكومت و فرهنگ به ويژه اقتصاد، شاهد نابساماني و آشفتگي و بيعدالتي بوده است و همواره در پي راهي بوده تا به اين بخشها سازمان و نظامي عادلانه ببخشد؛ ولي تقريباً هيچ‌گاه و در هيچ ملت و دولتي توفيق چنداني حاصل نشده است؛ اگرچه بعضي از شهرها و يا دولتها با تلاش فراوان به سهمي از عدالت در بعضي از عرصهها دسته يافته باشند.

با اين توصيف، همگان در انتظارند كه مهدي موعود(ع) و عدالت منتظر از راه برسد و همه حوزههاي اجتماع را به عدالت و دادگري هدايت كند و به معني واقعي كلمه، عدالت را جهاني كند. اين اميدي بجا و آرزويي بحق است كه براساس برنامههاي دولت امام مهدي (عج) قابل دسترسي است.

عدالت در فرهنگ

دانستن، شناخت و رشد علمي و فرهنگي حقي همگاني است؛ ولي در نظامها و حكومت‌هاي دنيا امكانات آموزشي به طور يكسان براي همه اقشار فراهم نيست و هميشه اينگونه بوده كه عدهاي خاص امكان رشد و تعالي آموزش دارند و البته اين عادلانه نيست. از آثار عدالت مهدوي آن است كه همه طبقات، از هر نژاد و مليتي و بدون هيچ‌گونه تبعيض، ميتوانند در زمينههاي فرهنگي فعال بوده و مدارج علمي را طبق قابليت و استعداد خود بپيمايند.

در نظام دادگستر امام مهدي (عج)، با توجه به اينكه علم و دانش رشد فزايندهاي دارد، آنها كه در جوامع مختلف از اين موهبت الهي محروم بودهاند ميتوانند از علم و دانش بهره فراوان گيرند؛ براي مثال زنان كه در جوامع گوناگون محروميتهاي بسياري را چشيدهاند و از جمله در ساحت علم و فرهنگ مورد بيمهري قرار گرفتهاند، در دولت مهدي به جايگاه والايي از دانش دست مييابند.

در روايتي درباره روزگار مهدي (عج) آمده است:

((و تؤتون الحكمة في زمانه حتي ان المراة لتقضي في بيتها بكتاب الله و سنة رسول الله)).20

در دوران او، شما از حكمت برخوردار ميشويد؛ تا آنجا كه زن در خانه خود، برابر كتاب خدا و روش پيامبر (ص) قضاوت ميكند.

بعضي روايت بالا را اينگونه ترجمه كردهاند كه دانش بعضي از زنان در عصر حاكميت مهدي(ع) به اندازه‌اي است كه در درون منزل با استنباط شخصي (همچون مجتهد علوم ديني) به انجام تكاليف شرعي مي‌پردازند. در اين صورت، اوج رشد و تعالي فرهنگي و آموزشي زنان معلوم ميشود. و اگر به معني قضاوت هم باشد، باز هم حكايت از همان تعالي و ترقي است؛ زيرا كه امر قضاوت از امور بسيار مهم بوده و نياز به دانش بسياري دارد.

عدالت در اقتصاد

يكي از مصاديق ظلم آشكار، نابرابري و عدم تعادل طبقات مختلف مردم در مسائل اقتصادي است كه در جاي جاي جهان پهناور و حتي در كشورهاي مدعي حقوق بشر ديده ميشود. آنچه ميتواند به اين بيساماني، سامان دهد و غبار محروميت را در اين عرصه از چهره عالم انساني بزدايد همانا اجراي عدالت اقتصادي است.

امام صادق(ع) ميفرمايد:

ان الله لم يترك شيئا من صنوف الاموال الاّ و قد قسّمه و اعطي كل ذي حق حقه الخاصة والعامة والفقراء والمساكين و كل صنف من صنوف الناس فقال: لو عدل في الناس لاستغنوا... .21

خداوند همه ثروتها (از انواع منابع درآمد) را ميان مردم تقسيم كرده است و به هر كس حقش را داده است، كارگزاران و توده مردم و بينوايان و تهي‌دستان و هر گروهي از گروه‌هاي مردم. سپس امام فرمود: اگر عدالت برقرار شده بود، همه مردم بينياز شده بودند.

بنابراين از نظر تعاليم اسلامي، اگر حاكميت درست و اسلامي باشد، برنامههاي حكومت به درستي تنظيم شده و مجريان آن نيز در جاي خود به كار گمارده شوند، محروميت و نيازمندي در جامعه نميماند؛ زيرا حكومت حق و كارگزاران لايق آن به دنبال اجراي اصول عدالت خواهند بود و با چنين اقدامي همه مردم، به رفاه و بينيازي خواهند رسيد.

پيامبر اكرم (ص) ميفرمايد:

... يتنعّم امتي في زمانه نعيما لم يتنعمّوا مثله قطّ البرّ والفاجر يرسل السماء عليهم مدراراً ولاتدّخر الارض شيئاً من نباتها.22

در زمان او ]مهدي (عج)[ مردم به نعمتهايي دست مييابند كه در هيچ زماني دست نيافته باشند؛ چه نيكوكار و چه بدكار. آسمان پيوسته بر آنان ببارد و زمين چيزي از روييدنيهاي خود را ذخيره نكند.

عدالت اقتصادي به عوامل گوناگوني بستگي دارد كه از مهمترين آنها عدالت در بخش توليد و توزيع است. از آثار عدالت در دولت مهدي (عج)، اين است كه امكانات توليد در اختيار همگان است و هر كسي ميتواند از زمين و انرژي و امكانات طبيعي براي توليد بهره بگيرد. از اين رو افراد زيادي به اشتغال و كار سالم روي ميآورند و هر كسي به اندازه همت و توان خود امكان رشد و پيشرفت دارد. البته اين همه در راستاي رفع نيازهاي واقعي جامعه است؛ يعني توليد در مسير مطالبات و نيازهاي اجتماع است. بنابراين هم توليدكنندگان بهرهمند ميشوند و هم جامعه به رشد و رفاه اقتصادي ميرسد.

از سوي ديگر، از عوامل مهم ظلمهاي اقتصادي بيعدالتي در عرصه توزيع است. تقسيم ثروت ملي به صورت نابرابر و اختلاف فراوان و غيرمنطقي ميان درآمدها و واسطه‌گريهاي بيجا، شكاف طبقاتي گستردهاي را باعث شده است. بنابراين اثر عدالت مهدوي در عرصه اقتصادي، تقسيم اموال عمومي به شكل مساوي در ميان مردم است.

پيامبر اكرم (ص) ميفرمايد:

ابشركم بالمهدي يبعث في امتي... يرضي عنه ساكن السماء و ساكن الارض يقسم المال صحاحاً. فقال له رجل: و ما صحاحاً؟ قال: السوية بين الناس.23

به مهدي بشارتتان ميدهم. او در ميان امت من برانگيخته ميشود... ساكنان آسمان و زمين از او خشنود خواهند بود. او اموال را به درستي تقسيم ميكند. مردي پرسيد: مقصود چيست؟ فرمود: به شكل مساوي ميان مردم تقسيم ميكند.

در روايتي ديگر از امام باقر(ع) آمده است:

((... فانه يقسّم بالسويّة و يعدل في خلق الرحمان، البرّ منهم والفاجر...)) .24

آن حضرت (اموال را) برابر تقسيم ميكند و ميان همه مردم به نيكوكار و بدكار به عدالت رفتار مينمايد.

از روايت بالا معلوم ميشود كه در مواردي كه برابري ميان مردم از مظاهر عدالت است، اموال به تساوي تقسيم ميشود؛ نه اين‌كه در همه موارد به همگان يكسان پرداخت شود. در واقع، برابري ميان مردم با هدف تأمين ضروريات و امكانات اوليه زندگي است و براي همه افراد و اقشار از يك حد منطقي و رفاهي معقول برخوردار باشند.

و نيز از آن بزرگوار روايت شده است:

((... و يسوّي بين الناس حتي لاتري محتاجاً الي الزكوة.))25

او ]امام مهدي (عج)[ ميان مردم به مساوات رفتار ميكند تا آنجا كه نيازمند زكات ديده نشود.

و از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمودند:

ان قائمنا اذا قام اشرقت الارض بنور ربها... و يطلب الرجل منكم من يصله بماله و يأخذ منه زكاته فلايجد احداً يقبل منه ذلك و استغني الناس بما رزقهم الله من فضله.26

هنگام قيام قائم ما، زمين با نور خدايي روشن گردد و... شما به جستوجوي اشخاصي برمي‌آييد كه مال يا زكات بگيرند و كسي را نمييابيد كه از شما بپذيرد و مردمان همه به فضل الهي بينياز گردند.

بنابراين از آثار عدالت اقتصادي در جامعه مهدوي، برخورداري همه افراد جامعه از يك زندگي مادي مطلوب و آبرومند است؛ به گونهاي كه افراد نيازي به درخواست مال نداشته باشند و اين سطح از زندگي در كنار رشد عقلاني و اخلاقي و ريشهكني رذايلي همچون حرص و آزمندي از دل و جان انسانها ميتواند حيات طيبه و پاكي را فراهم كند كه در ساحت آن، رشد و تعالي معنوي و روحي مردم بهتر و منطقيتر قابل دست‌رسي باشد. از ديگر آثار عدالت اقتصادي در روزگار مهدي (عج)، عمران و آباداني زمين است. در دوران حاكميت حكومتهاي غير الهي، آبادي تنها براي بخشهايي است كه به گونهاي با دستگاه حاكم در ارتباط بوده و يا از جايگاه ويژه اجتماعي برخوردار باشند. مناطقي از كشورها كه طبقه محروم جامعه را در خود جاي داده است، مورد بيمهري حاكمان قرار گرفته و گاهي به شكلي غيرقابل سكونت در مي‌آيد. ولي عدالت مهدوي در عرصه اقتصادي به آباداني شهرها و روستاها و حتي زمينهاي باير ميانجامد؛ زيرا اولاً اين از سياستهاي حكومت مهدي است كه در روايات به آن تصريح شده است27 ثانياً لازمه عدالت گسترده و جريان يافته در بخشهاي اجتماعي، همين است كه جاي ويراني باقي نماند و همگان ـ در هر طبقه اجتماعي كه باشند ـ از مواهب الهي بهرهمند گردند.

عدالت در قضاوت

در جوامع مختلف بشري، امر قضاوت جايگاه ويژهاي دارد و هيچ مجموعه كوچك يا بزرگي از انسانها نيست كه به دستگاه قضاوت و دادگستري نيازمند نباشد. شاهرگ حيات اين دستگاه اجراي عدالت در آن است. اساساً دادگستري براي گسترش عدل و داد تأسيس شده است و بدون آن، هيچ جايگاهي براي آن نيست. ولي متأسفانه بايد گفت كه در همين دادگستريها و مراكز قضايي، ستمهاي فراواني به انسانها شده و حق افراد زيادي پايمال گرديده است.

در عصر حاكميت مهدي (عج) كه عدالت در همه زواياي زندگي اجتماعي جريان مي‌يابد، اين عدالت به دستگاههاي قضايي هم نفوذ كرده و جريان دادرسي را بر اساس حق و عدل تنظيم ميكند. اينجا از مهمترين مراكزي است كه عدالت در آن پياده ميشود و امام مهدي (عج) با دقت و وسواس بر اجراي داد نظارت دارد.

از روايات استفاده ميشود كه امام مهدي (عج) در قضاوت مانند جد بزرگوارش اميرالمؤمنين(ع) عمل ميكند و بر گرفتن بي كم و كاست حقوق مردم اصرار دارد؛ حتي اگر حق كسي زير دندان ديگري باشد، از زير دندان آن غاصب بيرون كشيده و به صاحب حق باز ميگرداند.28

در زمان حكومت آن دادگستر جهان، چنان عدالت مهدوي همگاني ميگردد كه مردگان آرزو مي‌كنند كه به زندگي بازگردند و از بركات عدالت او بهرهمند شوند.29

اين دقت و گستردگي عدالت به دليل آن است كه سيستم قضايي امام مهدي (ع)، دستگاهي بسيار گسترده و مجهز و برخوردار از ابزارهاي فراطبيعي است. در سيستم قضايي اسلام قضاوت براساس بينات و شواهد بوده است و از رسول خدا (ص) روايت شده كه فرمود:

((من در ميان شما بر پايه سوگندها و بينهها قضاوت مينمايم)).30

رهآورد اين‌گونه داوري عدالت ظاهري است؛ ولي در روايات مربوط به دوران حاكميت مهدي(عج) آمده است كه آن حضرت به شيوه حضرت داوود(ع) قضاوت ميكند كه او براساس الهامات الهي و علم لدني داوري ميكرد و نه بر پايه شاهد و گواه.

امام صادق (ع) فرمود:

دنيا به پايان نخواهد رسيد تا آن كه مردي از خاندان من ظهور نمايد. وي به شيوه داوود (ع) حكم خواهد نمود؛ بينه نخواهد خواست و به هر كس حقش را اعطا خواهد نمود.31

و در روايتي ديگر فرمود:

زماني كه قائم آل محمد (ص) قيام كند، در ميان مردم به مانند داوود(ع) حكم خواهد نمود و به بينه نيازي نخواهد داشت؛ چرا كه خداي تعالي امور را به وي الهام مي‌فرمايد. وي بر پايه دانش خود داوري ميكند و هر قوم را به آنچه مخفي و پنهان نمودهاند آگاه سازد.32

رهآورد چنين داوري عدالت واقعي است و حتي اگر مظلومي نتواند براي اثبات حق خود به شاهد و گواهي دست يابد، به سبب اين‌گونه قضاوت، به حق خود خواهد رسيد.

البته اين از ويژگيهاي عصر مهدي(عج) است و با مجموعه حكومتي و فضاي حاكم بر آن سازگاري دارد و اينكه پيامبر(ص) به علم شخصي خود قضاوت نميكرد و منتظر شهود و گواهان ميشد؛ شايد بدان دليل بود كه اين امر پس از او سنت و شيوه قضايي قرار گيرد؛ يعني قاضيان براساس شهود و گواه قضاوت كنند و نه براساس اطلاع و علم شخصي، تا نظام قضايي اسلام يك جريان روشن و مشخصي داشته باشد و دچار هرج و مرج و اختلال نگردد. اما در زمان مهدي (عج) كه زمان حكومت معصوم (ع) است، داوري براساس علم و اطلاع شخصي به عدالت نزديكتر و بلكه عين عدالت است؛ چرا كه تكيه بر گفتار گواهان تنها به عدالت ظاهري خواهد انجاميد.

جاي اين سؤال باقي است كه در هستة مركزي حكومت، چنين قضاوتي توسط شخص حضرت انجام ميگيرد و امكان پذير است؛ ولي در ديگر نقاط عالم چگونه ممكن است كه قاضيان منصوب از سوي حضرت اين‌گونه عمل كنند و به عدالت واقعي دست يابند؟

در پاسخ بايد گفت: چنان‌كه گفتيم، امكانات دولت مهدوي و سيستم اطلاعاتي زمان حضرت به گونهاي است كه سيستم قضايي مهدي (عج) را ياري ميكند. به روايت زير توجه كنيد:

امام صادق (ع) فرمود:

وقتي قائم ما قيام كند در هر يك از مناطق جهان فردي را برگزيده ارسال ميدارد و به وي مي‌گويد: پيمان تو به دست توست و اگر با مطلبي رو به روي شدي كه آن را نفهميدي و قضاوت را در موردش ندانستي به دست خود نگاه كرده و به آنچه در آن است عمل نما.33

و اين‌گونه اطلاع‌رساني و خبرگيري از مركزيت قضايي ممكن است به اعجاز و يا به سبب پيشرفت وسايل ارتباطي در روزگار مهدي(عج) باشد.

سخن آخر

همانگونه كه در ابتداي مقاله گفته شد عدالت مهدي(ع) دامنه‌اي به گستردگي حيات مادي و معنوي انسان دارد و ما تنها به برخي حوزه‌هاي فردي و اجتماعي عدالت پرداختيم و اكنون حُسن ختام گفتار را سخني از امام صادق(ع) قرار مي‌دهيم كه در تفسير آيه شريفه اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها... فرمودند: يعني خداوند زميني را به عدالت قائم(ع) در هنگام ظهورش زنده مي‌كند پس از آنكه به سبب ستم پيشوايان گمراهي مرده باشد.34

------------------

پي نوشت ها:

1 . نساء، 58.

2 . انعام، 152.

3 . التحقيق في كلمات القرآن‏، ج 8، صص 55-59.

4 . در مقام بعثت و رسالت قرآن فرموده: و اُمرت لاعدل بينكم ]الشوري، 15[ و در مقام هدايت الهي فرموده: ان الله يامر بالعدل والاحسان ]النحل، 90[. در مقام حكم كردن ميان مردم: واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل ]النساء ، 58[ و در مقام عقود و عهود. وليكتب بينكم كاتب بالعدل ]البقره، 282[ و در مقام شهادت: اثنان ذوا عدل منكم ]المائده، 106[ و در مقام اصلاح: فاصلحوا بينهما بالعدل ]الحجرات، 9[. التحقيق في كلمات القرآن، ج 8، ص 58.

5 . عوالي اللئالي، ج 4، ص 102.

6. مفاتيح الجنان، دعاي افتتاح.

7. مكيال المكارم، موسوي اصفهاني، ص 118.

8. مفاتيح الجنان، زيارت صاحبالامر.

9. امام باقر (ع) فرمود: ((به خدا سوگند، عدالت را به درون خانههاي مردم ميبرد، آنچنان كه سرما و گرما به خانهها نفوذ ميكند)). (بحارالانوار، ج52، ص 362).

10. كمالالدين، ج 2، ص 372.

11. كافي، ج 1، ص 25.

12. بقره، 129؛ ((كتاب و حكمت را به ايشان تعليم دهد و آنها را تزكيه كند)).

13. كافي، ج 5، ص 55. ((بوسيله امر به معروف و نهي از منكر همة واجبات اقامه مي‌شود)).

14. منتخب الاثر، ص 474.

15. بحارالانوار، ج 51، ص 84.

16. لقمان، 13، ((و آن گاه كه لقمان به فرزندش گفت ـ در حالي كه او را پند مي‌داد ـ فرزندم براي خدا شريك قرار مده، زيرا كه شرك ظلم بزرگي است)).

17. توبه، 33.

18 . بحارالانوار، ج 51، ص 60 ، ح 58 .

19 . انفال، 39 ((با ايشان جنگ كنيد تا هيچ فتنهاي باقي نماند و دين، همهاش براي خدا باشد)).

20. بحارالانوار، ج 52 ، ص 352 .

21 . كافي، ج 1، ص 542.

22 . بحارالانوار، ج 51، ص 88.

23 . بحارالانوار، ج 51، ص 81.

24 . همان، ص 29.

25 . همان، ج 52، ص 390.

26 . بحار، ج 52، ص 337.

27. الامام المهدي، ص 271.

28. منتخب الاثر، ج 2، ص 332. (به نقل از عقدالدرر، ص 36)

29. همان، ص 65، ح 367.

30 . كافي، ج 7، ص 414.

31 . بحارالانوار، ج 52، ص 338.

32 . همان، ص 339.

33 . نعماني، الغيبة، باب 21.

34. نعماني، الغيبة، ص 24.